



## بخوانید تا رستگار شوید!

می‌خواهم يك جمله كلیشه‌ای بگویم بعد بروم سراغ اصل موضوع: «ماه رمضان فرصتی برای خودسازی است» و این خودسازی جهات مختلفی دارد، یکی از آنها با بستن دهان میسر می‌شود و برای رسیدن به کمال این مرتبه، کارهای دیگری هم توصیه شده یا می‌توان توصیه کرد.

قرآن بخوانید، هر قدر میسر است، این توصیه‌ای است که کتاب شریف می‌کند و هیچ قیدی برای قرائت آیات وحی نمی‌گذارد برای همین در روزهای این ماه می‌توانیم با خواندن آیات این کتاب راه نجات را پیدا کنیم و از سرگذشت پیشینیان عبرت بگیریم. در حدیثی که از امام باقر(ع) رسیده استفاده می‌شود اگر مسلمان بخواهد از غافلان و بی‌خبران نباشد بایستی روزانه حداقل ده آیه از قرآن بخواند. امام پنجم(ع) این مطلب را از رسول خدا(ص) نقل کرده و البته در جای دیگر به پنجاه آیه اشاره شده و یادآوری می‌کند این افراد از جمله کسانی هستند که همواره به یاد خدا هستند. عطار نیشابوری در تذکرة الاولیاء می‌نویسد: پرسیدند که «کسی قرآن می‌خواند و نمی‌داند چه می‌خواند آن را هیچ اثری بُود؟» گفت: «کسی دارو می‌خورد و نمی‌داند که چه می‌خورد، اثر می‌کند؛ قرآن اثر نکند؟ بلکه بسی اثر کند. فکیف اگر خود داند که چه می‌خواند، اثر آن بسیار کند.»

قرآن کریم بارها مخاطبان خود را دعوت به گشتن روی زمین کرده تا از این طریق عاقبت پیشینیان را ببینند و عبرت بگیرند. دروغگویان، مشرکان، مجرمان و... کسانی هستند که قرآن با دعوت از مردم به گشتن روی زمین می‌خواهد سرگذشت آنها را به مخاطب نشان دهد. خواندن سفرنامه‌ها یکی از راه‌های سیر کردن روی زمین است به این خاطر که شاید همه فرصت سفر کردن و دیدن آثار گذشتگان برایشان فراهم نباشد، اما سفرنامه‌ها این امکان را برای مخاطبان خود فراهم کرده‌اند. ناصر خسرو که سفرنامه مشهوری دارد در ابتدای سفرنامه خود می‌نویسد: شبی در خواب دیدم یکی مرا گفتی: «چند خواهی خوردن از این شراب که خرد از مردم زایل کند اگر بپوش باشی بهتر». من جواب گفتم که: «حکما جز این چیزی نتوانستند ساخت که اندوه دنیا کم کند». جواب دادی: «در بیخودی و بیهوشی راحتی نباشد. حکیم نتوان گفت کسی را که مردم را به بیهوشی رهنمون باشد، بلکه چیزی باید طلبید که خرد و هوش را بیفزاید». گفتم که: «من این از کجا آرم؟» گفت: «جوینده یابنده باشد» و پس سوی قبله اشارت کرد و دیگر سخن نگفت.

رمان خواندن هم یکی دیگر از کارهایی است که می‌تواند مفید باشد، زیرا رمان‌ها اغلب قصه سرگذشت انسان‌ها و زندگی‌شان هستند و می‌تواند روشی برای سیر کردن در زندگی و منش و سلوک انسان‌های دیگر باشد. درواقع این‌گونه ادبی تجربه‌ای رایگان در اختیار خواننده قرار می‌دهد. همان‌طور که قرآن داستان یوسف را بهترین قصه‌ها معرفی می‌کند می‌توان نتیجه گرفت قصه‌هایی که سرگذشت افراد در آن بازگوشده می‌تواند راه خوبی برای کسب معرفت و خودسازی باشد. ﷻ



حسام آف‌نوس

دبیر قفسه

## مرور زندگی نامه يك شهید مدافع حرم، روی دور تند

# پرواز تا آغوش خدا

و بعد از پیگیری‌های فراوان به منطقه اعزام می‌شود تا آنجا در نقش امدادگر ظاهر شود. وی برای دفاع از مردمی پا در عرصه نبردمی‌گذارد که شاید بسیاری از آنها، سوالات بی‌پاسخی در ذهن داشته باشند که البته نویسنده و راویان کتاب تلاش می‌کنند پاسخی به آنها بدهند: «خدا حافظ تهران پرماجرا! فرقی نمی‌کنه که من دوباره برگردم یا نه، ولی یادت باشه مدافعان حرم، کیلومترها دورتر از برج میلاد و هتل‌ها و پارک‌ها شهر بازی هایت، در کشور دیگه‌ای می‌جنگن و جون می‌دن تا هیچ حرومی و حروم‌زاده‌ای نگاه چپ به خونه و کاشونه شهروندان نندازه و حتی آشیونه گنجشک‌ها و باکریم‌ها تم امن و امان بمونه و آب توهیج آکواریمی تکنون نخوره، چه برسه به دل مردم! حواست باشه تهران بزرگ! عادلانه قضاوت کنی سربازی فرامرزی وطن رو... و خطاهای هیچ‌کسی رو پای آرمان‌ها ننویسی.»

بالتر نوشتم که شخصیت متفاوت کتاب سبب شد که این اثر را به‌صورت مجزا به خواننده پیشنهاد کنم، تفاوت از این نظر که اغلب کتاب‌هایی که از رزمندگان چه دوران دفاع مقدس چه مدافعان حرم خوانده‌ایم نیروهای رزمی و عملیاتی بوده‌اند، ولی شهید قاسمی يك نیروی امدادی بوده که در پشت جبهه به نیروهای رزمی و علمیتی که در خط مقدم نبرد جرات برداشته‌اند خدمات درمانی می‌داده است. از این حیث مرور روایت‌های مرتبط با این شهید شاید تصویر تازه‌از جهاد و مقاومت را به خواننده نشان دهد که پیش از این کمتر دیده شده است. درواقع این کتاب تصویر رایج از جهاد که همانا قتال به سیف است را مقداری تغییر می‌دهد و به خواننده نشان می‌دهد که می‌توان جهاد کرد، ولی اسلحه به دست نگرفت؛ هرچند شهید قاسمی دوره‌های آمادگی نظامی و رزمی را نیز در دوره‌های تربیت پاسداری پشت سر گذاشته ولی حضورش در خط مقدم، حضوری متفاوت از نیروهای رزمی است.

نثر روان و یکدست این کتاب با گریزهای شاعرانه نویسنده سبب می‌شود خواننده با روایت‌های خسته‌کننده و تخت روبه‌رو نباشد بلکه فراز و فرودهای داستانی و لحن شاعرانه کتاب موجب شده با اثری متفاوت از حیث نثر و زبان روبه‌رو باشیم که در میان کتاب‌هایی از این دست کاری متمایز به‌شمار می‌رود.

«دلم پرواز می‌خواهد» اثری است که شاید در آن نتوان همه بخش‌های مستند را از بخش‌های داستانی تفکیک کرد، ولی ویژگی اصلی آن تصویری است که از شهید در ذهن خواننده نقش می‌بندد؛ تصویری که قدسی نیست و قابل دستیابی است و این نکته گمشده این روزهای کتب مرتبط در حوزه ایثار و شهادت است که اغلب تلاش می‌کنند شمایل يك قدیس را در ذهن مخاطب ایجاد کنند و کتاب از کارکردها الگویی خوددوری می‌شود. ﷻ

«روز نهم ماه مبارک رمضان، روز سختی بود. با زبان روزه از صبح تا افطار، پشت فرمان بودم و کارهای مختلفی انجام دادم. توپخانه خودی شدید می‌زد و معلوم بود در خط خالصه خبرهایی است. خالصه منطقه‌ای در استان حلب است که با منطقه زیتان و برنه در امتداد هم هستند و به دلیل نزدیک بودن این مناطق به خط مقدم، پست‌های امداد پزشکی در آنجا راه انداخته‌ایم. هنگام غروب خسته و گرم‌زده رسیدم مقر نصر. پیغام داده بودند برای ویزیت یکی از نیروهای ایرانی آنجا بروم. وقتی رسیدم جاکشوردم. حاج قاسم را دیدم که به علت کسالت، برای معاینه به مقر نصر آمده بود. پس از اقدامات لازم سرم وصل کردم و در مدتی که کنارش بودم، فرصتی پیش آمد و سر حرف باز شد و کمی درباره اختلاف روحیات رزمندگان سایر کشورها گلایه کردم.

حاج قاسم با همان رنگ و روی پریده لب‌خندی زد و در حالی که می‌دانستم حرف‌زدن برایش دشوار است، جواب داد: «این اولین جنگ مشترک جهان اسلامه. جوون‌های مدافع حرم غیرایرانی رو حمایت کنید، چون تجربه جنگ ندارن. این جوونا باید با سعه صدر و خوشرویی راهنمایی بشن.»

ادای احترام نظامی کردم و برای خوردن افطار اجازه مرخصی خواستم.»

راستش را بگویم قرار بود این شماره با کمک روایت‌های رزمندگان در جبهه‌ها مروری داشته باشیم بر حال و هوای ماه مبارک رمضان در روزهای درگیری ولی همین چند خط و البته چند خط قبل‌تر از آن که به خاطر رعایت اختصار از نقل آنها پرهیز کردم سبب شد به جای آن مطلب، این کتاب را به شما معرفی کنم.

«دلم پرواز می‌خواهد» زندگینامه شهید مدافع حرم، محمد حسن قاسمی، که پریسا محسن‌پور آن را قلمی و نشر روایت فتح روانه بازار کتاب کرده است. این چند خط و البته شخصیت متفاوت «دکتر قاسم» سبب شد این کتاب را برای خواندن در روزها و شب‌های ماه مبارک رمضان به شما پیشنهاد کنم. پیشنهادی که در فرصتی کوتاه شاید در فاصله افطار تا سحر (اگر تلویزیون و موبایل را خاموش کنید) بتوانید آن را به آخر برسانید و دمی با یک امدادگر در روزهای ماه مبارک همنشین باشید.

کتاب درباره رزمنده‌ای متولد ۱۳۶۹ است، از نسل افرادی که نه جنگ را دیدند و نه امام رزمندگانی که در جبهه‌ها شرکت می‌کردند. وی در رشته هوش‌بری از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده و بعد به عضویت سپاه پاسداران در آمده تا بتواند در مسیر باورهایش خدمت کند.

او در روزهای رشد جریان‌های تکفیری که با حمایت دولت‌های منطقه اعم از عربستان و ترکیه و کشورهای غربی از گوشه و کنار غرب آسیا سر بلند می‌کردند، داوطلب حضور در سوریه می‌شود



نویسنده:

پریسا محسن‌پور

انتشارات:

روایت فتح

۱۹۲ صفحه

۲۱۰۰۰ تومان

